

ایران در پنج روایت

بازخوانی روایت‌های شریعتی، آل‌احمد، مطهری، زرین‌کوب و مسکوب
درباره هویت ملی، تنوع زبانی، زبان مادری و مسئله زبان ترکی در ایران

سید جواد میری






نقد فرهنگ

۱۳۹۹

• سرشناسه: میری، سیدجواد، ۱۳۵۰ -
• عنوان و نام پدیدآور: ایران در پنج روایت: بازخوانی روایت‌های شریعتی، آل احمد، مطهری، زرین کوب و مسکوب درباره هویت ملی، تنوع زبانی، زبان مادری و مسأله زبان ترکی در ایران/سیدجواد میری.
• مشخصات نشر: تهران: نقد فرهنگ، ۱۳۹۷.
• مشخصات ظاهری: ۲۱/۵ × ۱۴/۵
• شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۰۵-۸۲-۵
• وضعیت - فهرست نویسی: فیبا
• یادداشت: بنامه
• موضوع و بزرگی: ملی ایرانی - دیدگاه مشاهیر؛ ویژگی‌های ملی ایرانی؛ ایرانیان - هویت - تاریخ
• رده‌بندی د کوه: ۹۱۳۹.۰۵۰۹ DSR۶
• رده‌بندی دیویی: ۹۱۳۹.۰۵۴۲
• شماره کتابشناسی ملی: ۱۴۴۲۳۲۱



نقد فرهنگ

 @naqdefarhang.com
  www.naqdefarhang.com
  naqdefarhangpub

نشانی: پردیس، میدان عدالت، خ فروردین جنوبی، خ سعدی، مجتمع قائم، واحد ۲۰۳،

مراکز بخش: ۶۶۴۶۰۰۹۹، ۶۶۴۶۷۰۰۷، ۶۶۴۸۶۵۳۵

تلفن: ۶۶۲۷۶۷۴۸

• نام کتاب: ایران در پنج روایت؛ بازخوانی روایت‌های شریعتی، آل احمد، مطهری، زرین کوب و مسکوب

درباره هویت ملی، تنوع زبانی، زبان مادری و مسأله زبان ترکی در ایران

• نویسنده: سید جواد میری

• نوبت چاپ: دوم • سال انتشار: ۱۳۹۹ (چاپ اول ۱۳۹۷) • تیراژ: ۵۰۰ نسخه

• قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان • شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۰۵-۸۲-۵

© کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقد فرهنگ است.

فهرست

۱۱	پیشگفتار
۱۵	مقدمه
۲۵	فصل اول: زبان و هویت ملی در نگاه شریعتی
۲۵	مقدمه
۲۶	زبان به مثابه‌ی یک مسئله‌ی اجتماعی
۳۰	طبقه و درک زبانی
۳۳	روح زبان
۳۹	ملیت و زبان مادری
۴۳	فصل دوم: بازخوانی انتقادی روایت مطهری از «ناسیونالیسم ایران»
۴۳	مقدمه
۴۴	مطهری و مسئله‌ی زبان فارسی
۴۵	مطهری و مسئله‌ی نژاد آرایی
۴۶	ایرانیت را چگونه مفهوم‌سازی کنیم؟
۴۶	روایت مطهری از ایران
۴۸	چرا مطهری درباب «ناسیونالیسم ایرانی» می‌اندیشد؟
۵۱	مطهری و ایده‌ی «ناسیونالیسم»
۵۳	مطهری و مسئله‌ی «ملیت»
۵۵	مطهری و مسئله‌ی پان‌ترکیسم

۵۷	«ملیت ایرانی» و برساختی به نام «نژاد آریا»
۵۹	بازخوانی نگاه مطهری به «زبان پارسی»
۶۰	مطهری و مفهوم «ملت»
۶۳	نگاه مطهری به مسئله‌ی «تنوع زبانی»
۶۴	نگاهی به روایت مطهری از ظهور «زبان فارسی» در شرق
۶۸	هویت ایرانی و زبان فارسی: نگاهی به نقد شاهرخ مسکوب بر مطهری
۷۱	مطهری و میرد دین و ناسیونالیسم
۷۴	مطهری و داریوش: نگاه مطهری درباره‌ی خرافه‌ی استقلال نژادی
۷۶	پدیده‌ی ملی و «بیارآن»
۷۹	نگاه مطهری به مقدمات «ملیت» و «قومیت»
۸۱	نیازت‌نویس به «سومین نژاد» از پروژه‌ی مطهری
۸۵	فصل سوم: بازخوانی روایت جلال آل احمد از هویت ایرانی
۸۵	مقدمه
۸۹	روشنفکری و جلال آل احمد و زبان ترکی
۹۱	جلال آل احمد و روشنفکر ایرانی در نژاد «امر زبانی»
۹۳	روشنفکر و مشکل زبان ترکی در نگاه جلال آل احمد
۹۴	روایت جلال آل احمد از «زبان ترکی»
۹۷	زبان تاتی آذری و ترکی در آذربایجان: بازخوانی روایت جلال آل احمد
۱۰۰	تشیع و مسئله‌ی زبان ترکی در روایت جلال آل احمد
۱۰۳	زبان و مدرنیته در روایت جلال آل احمد
۱۰۵	جلال آل احمد و «سیاست‌گذاری نامیدن»
۱۰۹	روایت جلال آل احمد از بحران آذربایجان و مسئله‌ی زبان
۱۱۱	روایت جلال آل احمد و مسئله‌ی «استعمار فرهنگی»
۱۱۷	فصل چهارم: بازخوانی روایت عبدالحسین زرین کوب از ایرانیت
۱۱۷	مقدمه
۱۱۸	گرانیزگاه عرب ستیزی در روایت آریایی‌گرایان چیست؟

۱۲۱	زبان گمشده: نگاهی به مسئله‌ی زبان در روایت زرین کوب
۱۲۲	ایران و تنوع زبانی
۱۲۶	رستاخیز ایران به روایت عبدالحسین زرین کوب
۱۲۹	زرین کوب و مسئله‌ی «ایرانیّت»
۱۳۲	مؤلفه‌های بنیادین در «فهم ایران»
۱۳۵	فصل پنجم: هویت ایرانی و زبان فارسی در روایت شاهرخ مسکوب
۱۳۵	مقدمه
۱۳۶	مسکوب و بحث سهم «دیوانیان و علما و عرفا» در نسبت با «زبان فارسی»
۱۳۸	روایت مسکوب از «دویست سال بهت ایرانی‌ها»
۱۴۰	ملیت و ایرانیّت در جازبه زبان فارسی
۱۴۳	مسکوب و ایده «استقلال بودن ایران»
۱۴۶	بازخوانی مفهوم «ملیت» در روایت مسکوب
۱۴۸	زبان و «حسن ملی» در روایت مسکوب
۱۵۱	ملیت و «زبان-مأوایی» در روایت مسکوب
۱۵۴	روایت مسکوب درباره «زبان لاتین» و نسبت آن با «مسئله‌ی زبان»
۱۵۸	بازخوانی نقد مسکوب بر مطهری در باب «ملیت»
۱۶۳	فهرست منابع
۱۶۳	منابع فارسی
۱۶۴	منابع انگلیسی
۱۶۵	منابع عربی

پیشگفتار

در این دفتر تلاش نموده‌ام پنج روایت از ایران را بازخوانی کنم. به سخن دیگر، مفروض من این است که تصورات متفکران معاصر ایرانی درباره‌ی «ایران» به مثابه‌ی یک مفهوم، در این زمانه‌ها ابهت‌هایی که ممکن است داشته باشند، بدون شک دارای مفروضاتی نیستند و این دیالکتیک مشابهات و مفترقات، ما را به این نکته آگاه می‌کند که فهم ما از پدیداری به نام ایران بر ساختی مبتنی بر فهم و مفروضات نظریه‌ساز و نظری ما است و هرگز به عنوان «وحی منزل» نمی‌توان آن را محسوب کرد. هرگاه فهم خویش را به هر دلیلی مطلق کردیم، یقین بدانید که از دایره‌ی فهم و ماهمه و درک، پای به بیرون نهاده‌ایم و در حال «سنگرسازی‌های ایدئولوژیک» برای تسلط بر «دیگری» هستیم.

به عبارت دیگر، در این پژوهش تلاش من بر این بوده است که برسی از روایت‌های موجود معاصر درباره ایران را مورد بازخوانی قرار دهم و این بی‌شمار روایت‌ها من پنج روایت را برگزیده‌ام: روایت شریعتی، مذهب، آل احمد، زرین کوب و مسکوب و این روایت‌ها را در نسبت با هویت ملی، تنوع زبانی، زبان مادری و مسئله‌ی زبان ترکی در ایران مورد بحث و گفتگو قرار داده‌ام. البته باید این نکته‌ی روشی را نیز در ابتدای این دفتر روشن کنم چرا که ممکن است این طور اشکال شود که شاید این متفکران به صورت مستقیم

دغدغه‌ی پرسش‌های من را نداشته باشند؛ ولی من تلاش نموده‌ام متن را به سخن درآورم و به صورت «استنطاقی» پاسخ‌های خویش را از متن بیابم و یا با متن به دیالوگ انتقادی بپردازم. در این دفتر من بارها با متفکرانی که انتخاب کرده‌ام به گفتگو نشستیم و آنها را نقد کرده و برخی اوقات از خلال بحث‌های همه‌تأممی که کرده‌اند، نتایجی را استخراج و مفروضات آنها را به چالش کشیده‌ام و یا با برخی وجوه اندیشه‌شان همدلانه همراهی کرده‌ام. البته برخی از مکرمین من برگزیده‌ام همانند جلال آل‌احمد، به موضوع زبان ترکی به صورت مستقیم و برخی دیگر مانند شریعتی به موضوع زبان مادری در سیاق متفاوتی پرداخته‌اند. سعی می‌کنم با بازخوانی متن می‌توان به وجوهی از رویکرد انتقادی شریعتی دست یافت.

اگر از من پرسید: چرا متفکران دیگری همچون سید احمد کسروی، علیرضا نابدل، سعید نفیسی را انتخاب نکرده‌اید؟ یا ناظم‌زاده ایران‌شهر را در این مطالعه مورد بازخوانی قرار نداده‌ام، آنگاه پاسخ من این است که مضاف بر این، اندیشمندان بی‌شمار دیگری را نیز در نظر گرفته‌ام که به این لیست اضافه کرد و از متفکرانی همچون ابراهیم پورداود، مجتبی مینوی، ایرج افشار و سید حسن تقی‌زاده نیز یاد کرد. اما مسئله اینجاست که بسیاری پرداختن به تمامی متفکرانی که در عصر حاضر به ایران و مسئله‌ی زبان و اهلیت زبان مادری و شیوه‌ی مواجهه با زبان‌های غیرفارسی پرداخته‌اند، نیازمند تلاش من بیش از یک کتاب و دفتر هستیم و من در اینجا تلاش کرده تا گامی کوچک بردارم و امیدوارم که جامعه‌ی علمی و نسل جوان دانشگاهی گام‌های بعدی را استوارتر از من بردارند. البته من بر این باورم که پرداختن به مسئله‌ی ایران و بحث‌هایی انضمامی چون زبان مادری و هویت ملی و تنوع فرهنگی و جایگاه زبان ترکی و رابطه اسلامیت و ایرانیت و مدرنیته، صرفاً فعالیت‌هایی «تخصصی» نیستند بلکه ربط وثیقی با «حوزه عمومی» دارند و جامعه‌شناس باید قدرت مفهوم‌پردازی در حوزه عمومی را داشته باشد و به قول سی رایت

میلز^۱، جامعه‌شناس کسی است که توانایی پیوند بین «امر خصوصی» و «امر اجتماعی» را داشته باشد.

به سخن رساتر، پرداختن به این موضوعات به نوعی بازاندیشی جامعه‌ی ایرانی و تأمل در باب مناسبات قدرت در ایران معاصر و نسبت فرهنگ و سیاست و اقتصاد نیز هست. یکی از وجوه مهم جامعه‌شناسی، بازاندیشی در «برداشت‌های تاریخی» و «فهم‌های مستقر» و «چارچوب‌های غالب» است که در هر جامعه‌ی معین به دلایل گوناگونی ممکن است «مطلق» گردد؛ ولی تلاش جامعه‌شناس باید بر شالوده‌شکنی استوار بوده، به طرح مناسبات جدیدی بپردازد که جایگزین روابط مستقری شود که سبب «سرکوب‌پذیری» است. اگر این شالوده‌شکنی رخ ندهد و مناسبات اجتماعی و روابط امور (زبان، هویت، مذهب، دین، سیاست...) در جامعه‌ای به صورت متصلب درونی گردد، آنگاه جامعه راه تحول و پویایی را از دست خواهد داد.

مفاهیمی که من در این بحث مورد مطالعه و آکاوی قرار داده‌ام، در ذیل مقوله‌ی «امنیت» و «سیاست» نباید سرد خوانده شود. قرینگی‌ها، بل باید در ذیل نگاه فرهنگ و بینش انسان‌شناختی^۲ باشند. این تمایز بدین معناست که من مفاهیم محوری بحثم را با نگاه امنیتی و سیاسی مورد واسازی قرار نداده‌ام؛ بلکه دغدغه کلیدی‌ام مبتنی بر بینشی انسان‌شناختی بوده است. البته این بدین معنا نیست که بحث‌های من تبعات سیاسی امنیتی ندارد؛ بل بدین معناست که سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و امنیتی باید در قالب‌های نوین و ذیل «امر متنوع» مفهومینه شوند و مدعای من این است که با چنین رویکردی نه تنها «دیگری» سرکوب نخواهد شد و نه تنها «امر سرکوب‌شده» نیازی به «برگشت» ندارد؛ بل فضایی برای بازسازی تکثرها در قالب امر‌هایی بخش‌ممکن خواهد گشت و مقصودم از امر‌هایی بخش در این بستر

1. C. Wright Mills

2. Anthropological

این است که رابطه امرسیاست گذار و امرسیاست شده مبتنی بر سرکوب و اُبژه‌وارگی نخواهد بود، بل نوعی مشارکت تعامل آفرین در عرصه‌ی جامعه‌ی رخ خواهد داد. البته ممکن است این پرسش مطرح گردد که این رخداد را چگونه باید مدیریت کرد تا ایران دچار اَزم گسیختگی نگردد؟ در کتاب *تأملی درباره‌ی ایران: واکاوی هویت، ملیت، ایرانیت و سیاست‌گذاری‌های زبانی* تلاش من بر این امر بوده که به این پرسش، پاسخ شایسته‌ای بدهم و در این باب آن را تکرار نمی‌کنم و خوانندگان را به آن اِثراجاع می‌دهم. متفکران ایرانی معتقدند که جامعه‌ی ایران دارای سه آبشخور بزرگ «ایرانیت»، «اسلامیت» و «مدرنیت» است؛ ولی من بر این باورم که این‌گونه مفهومی‌نه کردن معنی ماصر ایرانی نمی‌تواند پیچیدگی‌های اکنون و اینجا را تبیین کند. به سحر بیگ، هر کدام از این ایده‌ها نیازمند بازخوانی‌های بنیادین و نظری جدی هستند، ما به‌میم چه خوانش‌هایی از ایران و اسلام و مدرنیته در بستر تاریخی‌مان ممکن و مطلوب است و نسبت هر سه‌ی این ایده‌ها با چرخش پست‌مدرن چیست، به عبارت دیگر، مدرنیته‌ی متقدم و مدرنیته‌ی متأخر به ترتیب دغدغه‌ی روشنفکران و علمای مشروطه در انقلاب مشروطه و روشنفکران و علمای انقلاب اسلامی بوده است؛ ولی با ورود ایران به قرن بیست و یکم و تحولات تکنولوژیک در تمامی عرصه‌های مجازی و فرامجازی، نیازمند بازخوانی نسبت‌های نوین و مناسب است. بودن نسبت با تحولات عصری پسا‌مدرن نیز هستیم. البته سیاستمداران و سیاست‌گذاران می‌توانند چشمان خویش را بر این واقعیت‌های شتابان ببندند؛ ولی اهل تفکر باید در باب مسائل آینده و اکنون و اینجا و نسبت آنها با «آنجاها» تأمل انتقادی کنند و سقف تفکر خویش را ذیل «عادت» و «میل عوام» یا «تمایلات قدرت» تحدید نکنند، بل به فراسوی مرزهای موجود نظر افکنند تا «مرغ ایده» را به جهد صید نمایند.